

Original Paper **The Aspects of Metaphor and Allegory in the Manuscript of "Majles Aray" by Mohammad Mohsen Shirazi**

Naserollah Salami¹, Mohammad Hadi Khaleghzadeh^{2*}, Mohammad Reza Masoumi³

Abstract

Metaphor and allegory are indirect methods of expressing meanings and thoughts in literature, making the language more artistic and impactful. In classical Persian literature, particularly in mystical literature, both poetry and prose widely utilize symbolism and allegory. This study aims to examine the aspects of metaphor and allegory regarding the world in the manuscript of "Majles Aray" through a descriptive-analytical approach and library research tools. "Majles Aray" is a moral-narrative instructional text from the 11th century Hijri, written by Mohammad Mohsen Shirazi in forty hadiths and assemblies. As an important literary work, it contains images and expressions that convey mystical and ethical concepts to the reader through the use of metaphor and allegory. The study first defines and explains metaphor and allegory, followed by examples from this manuscript, which are then analyzed. The analysis section explores how the author employs these literary devices to describe the world and convey ethical messages. Additionally, a comparison is made between the use of metaphor and allegory in this work, and their impact on the reader is analyzed. The results show that metaphor and allegory play a significant role in deepening the concepts and enhancing the literary quality of "Majles Aray," helping the audience achieve a better understanding of complex and spiritual topics. This study may pave the way for further research in classical literature and similar literary analyses.

Key words: Manuscript, Majles Aray, Mohammad Mohsen Shirazi, Allegory, Metaphor, World.

1-PhD Candidate in Persian Language and Literature, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. na.salami@iauyasooj.ac.ir

2-Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. m.h.khaleghzadeh@iauyasooj.ac.ir

3-Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. mohamadreza.masoumi@iau.ac.ir

Please cite this article as (APA): Salami, Naserollah, Khaleghzadeh, Mohammad Hadi, Masoumi, Mohammad Reza. (2024). The Aspects of Metaphor and Allegory in the Manuscript of "Majles Aray" by Mohammad Mohsen Shirazi. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(61), 100-131.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 61/ Autumn 2024

Receive Date: 25-06-2024

Accept Date: 17-09-2024

First Publish Date: 29-09-2024



مقاله پژوهشی **جلوه‌های تشبیه تمثیل دنیا در نسخه خطی مجلس آرای**

محمد محسن شیرازی

نصراله سلامی^۱، محمد هادی خالق زاده^{۲*}، محمد رضا معصومی^۳

چکیده

تمثیل که یکی از روش‌های بیان غیر مستقیم معانی و اندیشه‌های شاعر و نویسنده است که کلام را ادبی و بر تاثیر سخن در مخاطب می‌افزاید و سخن را مؤثرتر می‌کند. نماد و تمثیل در ادبیات کلاسیک فارسی به ویژه ادب عرفانی، علاوه بر شعر در متون نثر رایج بوده است. نویسنده در این پژوهش، به شیوه توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای درصدد آن است تا جلوه‌های تشبیه و تمثیل دنیا در نسخه خطی «مجلس آرا» مورد بررسی قرار دهد. نسخه مجلس آرا از متون تعلیمی و از نوع اخلاقی-روایی قرن یازدهم هجری است که محمد محسن شیرازی در چهل حدیث و مجلس به رشته تحریر درآورده است. این اثر به‌عنوان یکی از آثار ادبی مهم، حاوی تصاویر و عباراتی است که با بهره‌گیری از تشبیه و تمثیل، مفاهیم عرفانی و اخلاقی را به خواننده منتقل می‌کند. ابتدا به تعریف و توضیح تشبیه و تمثیل پرداخته شده و سپس مثال‌هایی از این نسخه خطی ارائه و تحلیل گردیده است. در بخش تحلیل، نحوه استفاده نویسنده از این ابزارهای ادبی برای توصیف دنیا و انتقال پیام‌های اخلاقی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مقایسه‌ای بین کاربرد تشبیه و تمثیل در این اثر انجام شده و تأثیر هر یک بر خواننده تحلیل شده است. در نهایت، نتایج نشان می‌دهد که تشبیه و تمثیل در «مجلس آرا» نقش بسزایی در تعمیق مفاهیم و ارتقاء کیفیت ادبی اثر دارند و به مخاطب کمک می‌کنند تا به درک بهتری از موضوعات پیچیده و معنوی دست یابد. این مطالعه می‌تواند؛ زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر در زمینه ادبیات کلاسیک و تحلیل‌های ادبی مشابه باشد.

واژگان کلیدی: نسخه خطی، مجلس آرا، محمد محسن شیرازی، تمثیل، تشبیه، دنیا.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. na.salami@iauyasooj.ac.ir

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. m.h.khaleghizadeh@iauyasooj.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. mohamadrezma.masoumi@iau.ac.ir

لطفاً به این مقاله استناد کنید: سلامی، نصراله، خالق زاده، محمد هادی، معصومی، محمد رضا. (۱۴۰۳). جلوه‌های تشبیه تمثیل دنیا در نسخه خطی مجلس آرای محمد محسن شیرازی. *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. (۱۶(۶۱)، ۱۰۰-۱۳۱.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و یکم / پاییز ۱۴۰۳ / از صفحه ۱۰۰-۱۳۱.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

مقدمه

ادبیات کلاسیک فارسی، یکی از گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی و هنری است که در طول قرون متمادی، آثار بی‌شماری از شاعران و نویسندگان بزرگی را در خود جای داده است. این آثار، با بهره‌گیری از تکنیک‌های مختلف ادبی، به تبیین و تشریح مفاهیم پیچیده و عمیق انسانی و معنوی پرداخته‌اند. یکی از این تکنیک‌های برجسته، استفاده از تشبیه و تمثیل است که با خلق تصاویر ذهنی و داستان‌های کوتاه، به خواننده کمک می‌کند تا به درک بهتری از موضوعات پیچیده و گاه انتزاعی دست یابد.

«مجلس آرا»، یکی از آثار برجسته‌ای است که در این زمینه می‌درخشد. این نسخه خطی با بهره‌گیری از تکنیک‌های تشبیه و تمثیل، توانسته است به توصیف و تبیین دنیا و مفاهیم مرتبط با آن بپردازد. تشبیه، به‌عنوان ابزاری برای مقایسه دو چیز با کمک وجه شبه، تصاویری روشن و ملموس از موضوعات ارائه می‌دهد و تمثیل با استفاده از داستان‌ها و روایات، مفاهیم اخلاقی و فلسفی را به شکلی قابل فهم و جذاب بیان می‌کند.

هدف از این مقاله، بررسی جلوه‌های تشبیه و تمثیل دنیا در نسخه خطی «مجلس آرا» است. در این راستا، ابتدا به تعریف و توضیح این دو تکنیک ادبی پرداخته و سپس مثال‌هایی از این نسخه خطی ارائه و تحلیل خواهد شد. در بخش تحلیل، به بررسی نحوه استفاده نویسنده از این ابزارهای ادبی برای توصیف دنیا و انتقال پیام‌های اخلاقی و فلسفی پرداخته و تأثیر این تشبیه‌ها و تمثیل‌ها بر خواننده و پیام‌هایی که از آن‌ها منتقل می‌شود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در ادامه، مقایسه‌ای بین کاربرد تشبیه و تمثیل در این اثر انجام شده و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها تحلیل خواهد شد. همچنین نقش هر یک از این دو تکنیک در تعمیق مفاهیم دنیوی و معنوی و تأثیرگذاری آن‌ها بر کیفیت ادبی اثر بررسی خواهد شد. با بررسی دقیق جلوه‌های تشبیه و تمثیل در «مجلس آرا»، این مقاله می‌کوشد تا به درکی عمیق‌تر از شیوه‌های بیان ادبی و قدرت تأثیرگذاری آن‌ها در انتقال مفاهیم پیچیده دست یابد.

بیان مسئله

ادبیات کلاسیک فارسی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های فرهنگی و ادبی جهان، سرشار از آثار و متون ارزشمندی است که هر یک به‌نوبه خود دارای مفاهیم عمیق و آموزنده‌ای هستند. یکی از این متون برجسته، «مجلس آرا» است که با استفاده از تکنیک‌های ادبی همچون تشبیه و تمثیل، به تبیین و

تشریح دنیا و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته است. تشبیه و تمثیل، دو ابزار مهم ادبی هستند که از طریق خلق تصاویر ذهنی و داستان‌های کوتاه، به خواننده کمک می‌کنند تا مفاهیم پیچیده و انتزاعی را به شکلی ملموس و قابل فهم درک کند.

تمثیل یکی از روش‌های بیان غیرمستقیم اندیشه‌ها و عقاید و افکار نویسنده یا شاعر است. «تمثیل ارائه شخصیت، اندیشه یا واقعه است به طریقه‌ای که هم خودش را نشان بدهد و هم چیز دیگری را، به عبارت دیگر، تمثیل یک معنای آشکار دارد و یک یا چند معنای پنهان. در تمثیل، نامحسوس به شکل و کیفیت محسوس ارائه می‌شود.» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۱۰۴). آنجا که عقل از تجزیه و تحلیل، ناتوان و درمانده می‌شود، زبان تمثیل به میان می‌آید و با هنرنمایی و جلوه‌هایی از رمز، مقصود را به شیوه‌ای دیگر بیان می‌کند؛ اما آنچه که هدف بیان است، مظاهر تمثیل نیست؛ بلکه معنای دیگر سخن است. «تمثیل نوعی تصویرگری است که در آن مفاهیم و مقاصد اخلاقی از پیش ساخته و مشخص شده و از روی قصد به اشخاص، اشیاء و حوادث منتقل می‌شود. بدین معنا که شاعر یا نویسنده، شخصیت‌ها، حوادث و صحنه داستان را طوری انتخاب می‌کند که بتواند منظور او را معمولاً عمیق‌تر از روایت ظاهری داستان است به خواننده منتقل کند.» (پارسا نسب، ۱۳۸۹: ۱۷) در تمثیل، همیشه قصد تعلیم وجود دارد. خواه این تعلیم یک درس اخلاقی مربوط به امور دنیوی باشد و خواه تعلیم عقاید دینی، عرفانی و جزو آن. نکته دیگر آن است که «قصد تعلیم در تمثیل، همیشه روشن است. نتیجه اخلاقی یا روح تمثیل در آغاز یا پایان به‌طور جداگانه یا در ضمن حکایت بیان شود و موضوع تعلیم نیز هر چه باشد به همان نحو در ابتدا و یا در آخر یا در ضمن تمثیل به نحوی بیان و با کل اجزای تمثیل، مقایسه و تبیین می‌گردد.» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۲).

مسئله اصلی این تحقیق، بررسی و تحلیل نحوه استفاده از تشبیه و تمثیل در «مجلس‌آرا» و تأثیر این تکنیک‌ها بر خواننده و انتقال مفاهیم دنیوی و اخلاقی است. در این پژوهش، نویسنده درصدد آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که تشبیه‌ها و تمثیل‌های به کار رفته در «مجلس‌آرا» چگونه هستند و چه مفاهیمی را منتقل می‌کنند؟ و نویسنده چگونه از تشبیه و تمثیل برای توصیف دنیا و مفاهیم مرتبط با آن استفاده کرده است؟ و تأثیر این تشبیه‌ها و تمثیل‌ها بر خواننده چیست و چه پیام‌هایی از آن‌ها منتقل می‌شود؟ و همچنین شباهت‌ها و تفاوت‌های استفاده از تشبیه و تمثیل در این اثر چیست و کدامیک از این دو تکنیک بیشتر برای بیان مفاهیم دنیوی استفاده شده است؟

این تحقیق با هدف پاسخ به این سؤالات و تحلیل دقیق جلوه‌های تشبیه و تمثیل در «مجلس‌آرا»، تلاش می‌کند تا به درکی عمیق‌تر از نقش و اهمیت این تکنیک‌های ادبی در انتقال مفاهیم پیچیده و

ارتقاء کیفیت ادبی آثار کلاسیک فارسی دست یابد. نتایج این تحقیق می‌تواند به مطالعات و پژوهش‌های آینده در حوزه ادبیات کلاسیک و تحلیل‌های ادبی مشابه کمک شایانی کند.

روش تحقیق

نویسنده در این پژوهش، به شیوه توصیفی - تحلیلی، به تجزیه و تحلیل محتوایی و فکری اثر، پرداخته و از دیدگاه هدف، این پژوهش، بنیادی است و در جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها از روش اسنادی یا کتابخانه‌ای و از راه برگه‌نویسی، بهره برده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

نسخه خطی مجلس آرا تاکنون تصحیح نشده و در دسترس جامعه علمی و ادبی قرار نگرفته است، بنابراین پژوهشی مستقل و جامع درباره این اثر انجام نشده است. تنها پژوهشی که در این خصوص صورت گرفته، مقاله‌ای است با عنوان «بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی مجلس آرای محمد محسن شیرازی» از (نصراله سلامی و همکاران، ۱۴۰۱) که در نشریه بهار ادب به چاپ رسیده است و نتیجه پژوهش بیانگر آن است که مجلس آرا اثری است منثور، آمیخته به نظم و دارای نثری ساده و روان و در عین حال دارای واژه‌های متقن و ترکیب‌های منسجم و مستحکم و متضمن مضمون‌های لطیف و بلند است و به سخن استادان برجسته قرون گذشته نزدیک است. از آنجا که بسامد آرایه‌های ادبی از جمله سجع، جناس و تشبیه، استعاره و تمثیل بیشتر می‌باشد. شاید در این مورد سبک نثر گلستان سعدی در نویسنده تأثیر داشته است با وجود اهمیت و نقش برجسته تمثیل در ادبیات، تاکنون تحقیقات جامعی که به طور خاص به بررسی جلوه‌های تشبیه و تمثیل دنیا در نسخه خطی «مجلس آرا» پرداخته، انجام نشده است.

اهداف تحقیق:

- بررسی، تبیین و چگونگی پردازش انواع تمثیل دنیا در مجلس آرای محمد محسن شیرازی
- معرفی و تبیین داستان‌های بنی اسرائیلی در اثر محمد محسن شیرازی با رویکرد انواع تمثیل دنیا

پیشینه تحقیق

تمثیل از قدمت و پیشینه فراوانی برخوردار است و همچنین کاربرد زیادی در متون ادبی از جمله متون نظم و نثر ادوار گذشته و معاصر دارد. در حوزه ادبی تمثیل، مقالات و آثار تمثیلی متعددی نگاشته شده

است اما در موضوع حاضر تا کنون کار تحقیقی مستقل انجام نشده است. با این حال به برخی از آثار تمثیلی که تا کنون انجام شده اشاره می‌شود. کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۳) بدیع و زیبا شناسی سخن فارسی؛ خطیبی، احمد (۱۳۶۹) درآمدی بر تمثیل در ادبیات فارسی؛ حکمت، علی اصغر (۱۳۹۸) امثال قرآن؛ وفایی، عباسعلی؛ آقابابایی، سمیه (۱۳۹۲) بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی؛ حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۹۴) تمثیل و ادبیات تمثیلی؛ پروین، محمد؛ حسینی کازرونی، سید احمد؛ خالق زاده، محمد هادی (۱۴۰۱) تاملی بر تمثیل در منظومه غنایی چنیسر نامه؛ خلیفه، مهدی؛ ابراهیمی، قربانعلی؛ چترایی عزیزآبادی، مهرداد (۱۴۰۱) کاربرد ارسال المثل (تمثیل) در حکایات هزار و یک شب.

مبانی تحقیق

معنی لغوی و اصطلاحی تمثیل

تمثیل در لغت به معنی «مثال آوردن، مثل زدن، تشبیه کردن، مانند کردن، داستان زدن، داستان آوردن و صورت چیزی را مصور کردن است.» (دهخدا، ۱۳۷۷ ذیل تمثیل) و در اصطلاح ادبی به‌طور کلی به هرگونه گزاره بیانی که در آن مقصود اصلی گوینده، زیر صورت ظاهر کلام پنهان شده باشد، اطلاق می‌گردد. برابر این تعریف عام تمثیل «حوزه معنایی گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که از تشبیه مرکب، استعاره مرکب، استدلال، ضرب‌المثل، اسلوب معادله گرفته تا حکایت اخلاقی، قصه حیوانات، قصه‌های رمزی و نیز معادل روایت داستانی (الیگوری) در ادبیات فرنگی را شامل می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۸۶:۲۴۹)

پیشینه تاریخی تمثیل

تمثیل در گستره معنایی فراگیر خود، پیشینه‌ای بسیار کهن دارد، به‌طوری‌که «بسیاری از محققان، نخستین روایت‌های اسطوره‌های را تمثیل روایی خوانده‌اند و ریشه آن را در عصر هومر (قرن هفتم قبل از میلاد) و هزیود (قرن هشتم قبل از میلاد) جستجو کرده‌اند. روایت‌های اسطوره‌ای که در آن خدایان و نیز مفاهیم مجرد و معقول همچون عشق و آرزو و زیبایی و... در شکل انسان ظاهر می‌شوند و شخصیتی انسانی می‌یابند. همچنین برخی اساطیر عصر باستان را که حاوی درگیری‌ها و کشمکش‌های میان قهرمانان و الاهگان است، روایت‌های تمثیلی از درگیری روحی انسان با خدایان مسلط برای حکایت بحران‌های روحی انسان ابتدایی شمرده‌اند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۴۸)

تمثیل در تبلیغ، انتشار و آموزش تعلیم و آموزه‌های دینی و مذهبی نیز ابزاری مؤثر به شمار رفته است، چنان که کتب و متون دینی حاوی حکایت‌ها و امثال اخلاقی و عقیدتی بسیاری است. «در تورات می‌توان قدیمی‌ترین نمونه‌های تمثیل دینی را در شکل امثال کوتاه یافت. مثل‌های کوتاه سلیمان بن داوود که به‌منظور تعلیم و تعلم و امر و نهی و اخبار و اندرز قومش تألیف کرده است، مشهور و معروف است. در تورات علاوه بر امثال کوتاه نمونه‌هایی نیز از تمثیل رمزی وجود دارد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵۰)

در بلاغت اسلامی نیز تمثیل جایگاه ویژه‌ای دارد. این جایگاه مرهون توجه ویژه عرب به مثل به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان مؤثر و گیراست. به قول ابو عبید القاسم بن سلام در الامثال «مثل از عصر جاهلی و اسلام، حکمت عرب بود و عرب با آن به مجادله‌ای کلامی می‌پرداخت و از رهگذر آن به کنایه و نه به صراحت مقاصد خویش را در گفتار حاصل می‌کرد؛ چرا که مثل سه ویژگی داشت: ایجاز لفظ، رسایی معنا و زیبایی تشبیه» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵۴)

در زبان فارسی، تمثیل ابزاری پرکار و مؤثر در خدمت شاعران و نویسندگان و گویندگان در دو حوزه اساسی ادبیات تعلیمی و شعر و ادب عرفانی بوده است. در حوزه ادبیات تعلیمی، تمثیل به‌عنوان مهم‌ترین صور خیال، کارکردی اساسی در تعلیم و اقناع مخاطب داشته است، چنان که خواجه نصیر در اساس الاقتباس تمثیل را به نام استدلال می‌خواند و شبلی نعمانی در شعر العجم آن را گونه‌ای مبالغه و وسیله افسون و تسلیم شنونده می‌داند. «شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۸۴». در آثار شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان، انواع و اقسام تمثیل، تحت عناوین داستان، قصه، حکایت، مثل و تمثیل به کار رفته است. از نمونه‌های بارز تمثیل در ادبیات تعلیمی و پندآموز فارسی می‌توان به قصه‌های جانوران در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه، حکایات انسانی بوستان و گلستان سعدی، تمثیلات موجود در آثار غزالی و مثنوی‌های سنایی و عطار و مولانا، قصه موش و گربه عبید زاکانی و مدعا مثل‌های سبک هندی اشاره کرد. حتی برخی با استناد به ابیاتی از شاهنامه و نیز قسمتی از شاهنامه ابومنصوری که در آن از رمزی بودن برخی وقایع و اتفاقات خارق‌العاده و عجیب سخن رفته است، برخی از قسمت‌های شاهنامه و به‌ویژه بخش اساطیری آن را تفسیر تمثیلی کرده‌اند. از جمله سنایی غزنوی که در اشعار خود، ماجرای رستم و دیو سپید را به‌گونه‌ای تلمیحی تصویر غلبه سالک عارف بر نفس اماره می‌داند.» (پورنامداریان: ۱۵۱ - ۱۵۳). در حوزه ادبیات عرفانی فارسی، آثار مشتمل بر تمثیلات رمزی و رؤیا و برخی اقوال شیوخ تصوف همچون ابوالحسن خرقانی و بایزید و حلاج و بوسعید، بیانگر احوال و مقامات معنوی و باطنی و شهودی گویندگان آنان می‌باشد. همچنین برخی از شاعران و عارفان و

مشایخ صوفیه همچون ابوسعید و خواجه عبدالله انصاری و مولانا و سعدی در مجالس خود از تمثیل به وفور بهره برده‌اند.

تمثیل در علم بیان

اصولاً در کتاب‌های بلاغی قدیم، بحث تمثیل از دو منظر کلی مورد بررسی قرار گرفته است. گروهی آن را ذیل تشبیه قرار داده‌اند و عده‌ای آن را در زمره استعاره به شمار آورده‌اند. از گروه اول، کسانی همچون ابن اثیر و زمخشری با نظر به مفهوم لغوی دو کلمه، تمثیل و تشبیه را مترادف و هم معنی دانسته‌اند و افرادی مثل جرجانی، سکّاک، خطیب قزوینی آن را تشبیهی دانسته‌اند که وجه شبه آن مرکب از امور متعدد باشد. «از بلاغیانی که تمثیل را زیر عنوان استعاره و مجاز مورد بررسی قرار داده‌اند؛ می‌توان به ابن رشیق، ابن خطیب، رازی، عبدالکریم صاحب التبیان، علوی و تفتازانی اشاره کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۷۹) عبدالقاهر جرجانی در کتاب اسرارالبلاغه، تمثیل را از مقوله تشبیه دانسته، ولی به تفاوت آن دو دقیقاً اشاره کرده است. از نظر او تشبیه عام‌تر و تمثیل خاص‌تر است. به عبارت دیگر هر تمثیلی، تشبیه است؛ اما هر تشبیهی را نمی‌توان تمثیل دانست. وی دو نوع تشبیه غیرتمثیلی یا عام و تشبیه تمثیلی را از همدیگر مجزاً کرده است، بدین صورت که در تشبیه غیرتمثیلی، وجه شبه آشکار و روشن است و بنابراین نیاز به تأویل ندارد؛ اما تشبیه تمثیلی دارای وجه شبهی غیر آشکار و برای فهم نیازمند تأویل است. او همچنین وجه شبه تشبیه تمثیلی را برخلاف تشبیه عام که حسی و غریزی و اخلاقی است، عقلی و غیرحقیقی می‌داند، به صورتی که فقط ذهن‌های باز و دقیق آن را درمی‌یابند. (همان: ۷۹ - ۸۰)

تشبیه تمثیل

تشبیهی است که وجه شبه آن صفتی است که از امور متعدد حسی یا غیر حسی انتزاع شده باشد؛ مانند: «نقل است که یکی از انبیای بنی اسرائیل در عبادت معبود علی الاطلاق چون هلال گشته و مانند عاشق ناتوان انگشت نمای هر پیر و برنا گردیده» (شیرازی، ق ۱۱: ۱۸)

وجه شبه عبارت است از لاغر شدن و شاعر آن را از حالات متعدد ماه برداشت کرده است؛ چون در ابتدا ماه کامل بوده و سپس هلال گشته و بعد از آن دوباره ناقص شده تا اینکه دچار محاق و تاریکی گردیده و انگشت‌نما گردیده است و به همین جهت این تشبیه به نام تشبیه تمثیل نامیده شده است.

مختصر معرفی مجلس آرا و نویسنده آن :

نسخه خطی مجلس آرا اثری است به نثر فارسی با موضوع اخلاق دینی به دست محمد شیرازی مشهور به محمد محسن شیرازی به رشته تحریر در آمده است. متأسفانه جزئیات کامل زندگی و شرح حال نویسنده با وجود کثرت تذکره های دوران صفویه در هیچ کتابی به دست نیامد. درایتی در فهرستگان نسخه های خطی ایران «فنخا» و دست نوشته‌های ایران «دنا» از او نام برده است. دیگر اثر «الذریعه الی تصانیف شیعه» تألیف علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی است که به صورت خیلی مختصر مجلس آرا را این گونه معرفی می کند. «(۱۷۲۱: مجلس آراء) فارسی کبیر مرتب علی اربعین مجلساً یذکر فی کلّ مجلس أولاً حدیثاً أخلاقياً ثمّ یشرحه بایراد حکایات و قصص مناسبه استخراجها استشهداً بها للحدیث المذكور أولاً مستخرجاً لها من کتاب علی بن مقبری A بعد ترجمتها الی الفارسیه، ألفه المولی محمد محسن الشیرازی، و إهداه الی السلطان شاه سلیمان الصفوی، المتوفی ۱۱۰۶، المجلس الأول فی ابتلاء الأولیاء، الاخیر فی حدیث من حفر بئراً لأخیه وقع فیه، رأیته عند السید جلال الدین الأرموی بخطّ شریف بن آقا باقر الشلمانی الرانکوی کتبه فی قریه شلمان فی دار محمد إسماعیل ۱۲۴۶. آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۰: ص ۱۱) در فهرست نسخه های خطی فارسی ذیل مجلس آرا کتاب را در بخش فلسفه عملی معرفی کرده است. (منزوی، احمد، ۱۳۴۸: ۴۶۸)

جمع آوری این اثر ارزشمند قریب به یقین در اواخر قرن یازدهم پایان یافته است. زیرا نویسنده در زمان حکومت شاه سلیمان صفوی، ساکن شیراز بوده و مجلس آرا را به حاکم و والی وقت امام ویردی بیگ تقدیم کرده است. در کتاب فارسنامه حسینی فسایی آمده. «امام ویردی بیگ در تاریخ ۱۱۰۰ ه. ق. وفات یافته است» (حسینی فسایی، ج ۲: ص ۴۹۰)

نام نویسنده اثر «محمد» و شهرت وی «شیرازی» است، اما به محمد محسن شیرازی مشهور بوده است. "فقیر المحتاج الی رب الغنی محمد المدعو بمحسن شیرازی" (شیرازی، ق ۱۱: ۸) علاوه بر «مجلس آرا» نام های دیگر نیز برای آن آورده شده است؛ «کتاب اربعین» و «حدیث مجلس آرا».

انگیزه مولف در نوشتن مجلس آرا بر مبنای حدیثی است از پیامبر اکرم (ص) که در ترغیب مسلمانان به حفظ کردن احادیث در جهت گسترش، ترویج، حفاظت از تغییر و تحریف و همچنین نقل حدیث در میان مسلمانان بیان فرموده؛ و نویسنده به آن حدیث نظر داشته است. همچنین عدد چهل در فرهنگ اسلامی، عدد ویژه‌ای است که به گونه‌ای خاص در قرآن و احادیث و متون ادبی بدان توجه شده است.

«ولآلی شریفه عجیبه و درج صدف و بیان چهل حدیث تأسیاً به کلام بلاغت نظام خیرالانام من حفظ علی امتی اربعین حدیثا مما یحتاجون الیه فی امر دینهم بعث الله عزّ وجلّ یوم القیامه فقیها عالما در چهل مجلس تحریر پذیرفت. این اثر شامل چهل مجلس که حاوی چهل داستان بنی اسرائیلی و در صدر هر مجلس چهل حدیث از پیامبر اکرم (ص) آورده است تا جزء اربعینات شمرده شود. خصائص سبکی این اثر تابع ویژگی‌های زبانی قرن یازدهم است اما نویسنده بی‌توجه به قواعد زبان عربی نیز نبوده است؛ قواعدی چون مطابقت صفت و موصوف، کاربرد عبارات مسجّع، آوردن فعل در ابتدای جمله و غیره. این پیروی متأثر از عوامل زیر است:

از آن‌جا که اثر اخلاقی، عرفانی و ادبی است. این امر نویسنده آن را ملزم ساخته به منابع و مآخذ دینی روی آورده و از قرآن و احادیث یاری جوید؛ بنابراین در پایه‌ریزی اصول اخلاقی ذهن و قلم نویسنده با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و شریعت تحت تأثیر قرآن و اقوال پیامبر و امامان قرار گرفته است. به همین دلیل در بعضی موارد ضمن حفظ قاعده زبانی قرن یازدهم تأثیر زبان عربی نیز مشهود است. هر چند این تأثیر در همه بخش‌های اثر به یک میزان نیست.

از آن جهت که اثر وجهی ادبی نیز دارد نویسنده از کاربرد عبارات مسجّع و انواع جناس و هم‌چنین نکات بدیعی و بیانی به ویژه تمثیل بهره جسته است.

بر اساس «دست‌نوشته‌های ایران» (دنا) و «فهرستگان نسخه‌های خطی ایران» (فنخا)، هشت نسخه خطی از مجلس‌آرا در کتابخانه‌ها وجود دارد. «با توجه به اینکه نسخه کتابخانه قم-مرکز احیا و نسخه کتابخانه خوانسار یکی است» (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، درایتی، ج ۲۸، ص ۱۳۴)، پس تعداد هفت نسخه خطی از اثر موجود است.

بحث و بررسی

جایگاه تشبیه و تمثیل در نسخه خطی مجلس‌آرا

یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌های تصویرسازی در خطابه و سخنرانی استفاده از تشبیه و تمثیل است. علت آن این است که معمولاً تشبیه و تمثیل در بیان اندک جاری می‌شوند، اما دارای معنایی بسیار و گسترده بوده و به علت شیرینی در ذهن، ماندگارترند و مخاطب با شبیه‌سازی ذهنی با آن درگیر می‌شود. پس تأثیرات تشبیه و تمثیل به‌غایت زیاد است و اگر در خطابه و سخنرانی مورد استفاده قرار گیرد، تنوع بالا برده و علاوه بر جذابیت زیاد، مخاطب را با جریان خطابه همسو می‌نماید. آنچه که در

میان تشبیه و تمثیل در خطابه مهم است، این است که اگر تشبیه و تمثیل به صورت کامل با وجه شبه قرابت داشته باشد، شنونده به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌نماید.

اقسام دنیا و ویژگی‌های آن در نسخه خطی مجلس آرا

الف- دنیای ممدوح

درباره دنیا و این که ارزش آن ذاتی است یا عرضی، هدف است یا وسیله، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از مکاتب، سعادت و خوشبختی انسان را ترک دنیا و لذت‌های آن می‌دانند و پاره‌ای دیگر هم معتقدند هر چه انسان بتواند بیشتر از لذایذ مادی استفاده کند، خوشبخت‌تر است، این در حالی است که مکاتبی اساساً به پوچی دنیا اعتقاد دارند؛ اما اسلام در این باره، نگرش خاصی دارد. از نظر اسلام، دنیا، به عنوان حقیقتی خارجی، مخلوق خداوند و از نشانه‌های عظمت الهی است که با هدف مقدس آفریده شده است که نه تنها مذموم نیست؛ بلکه هر ذره‌اش، خیرات و باید آن را ارج نهاد. «مطهری، ۱۳۷۶: ۲۷). قرآن کریم در آیاتی به مدح و ستایش دنیا می‌پردازد و از دنیا به عنوان خیر و فضل و حسنه تعبیر می‌کند. نویسنده مجلس آرا نیز در مواردی بسیار معدود در اثر خود به مدح دنیا پرداخته و ویژگی‌های آن را برشمرده است.

ب- مزرعه بودن دنیا

«اتمام این نسخه شریف به این حدیث بلاغت اساس اشاره است. به آنکه در دار دنیا هر آن کس که شجره افعال حسنه در بوستان عمر خود بنشانند؛ همان خوشگوار ثمره نیکو چشند. هر آن کس که درخت اعمال سیئه را در فضای وجود خود به شقاوت آبیاری نمود. همان میوه تلخ به کام جانش رسید. ای عزیز تا توانی در حق بنده مؤمن خوبی به جای آر تا در عوض آن خوبی ببینی.» (شیرازی، ق ۱۱: ۱۸۷)

تمثیل «مزرعه بودن دنیا» به توصیف دنیا از طریق مقایسه آن با مزرعه می‌پردازد. این تمثیل به ویژه به این نکته اشاره دارد که دنیا محلی برای کاشت و برداشت اعمال انسان‌ها است، جایی که تلاش‌ها و رفتارهای انسان نتیجه و ثمری خواهد داشت.

دنیا به عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی و توصیف ویژگی‌ها و کارکردهای دنیا پرداخته می‌شود. در این تمثیل، دنیا به عنوان مکانی توصیف می‌شود که در آن انسان‌ها می‌توانند اعمال خود را «بکارند» و در آینده «برداشت» کنند. این ویژگی‌ها به این معناست که دنیا

محلی برای انجام اعمال و رفتارهایی است که نتایج و ثمرات آن‌ها در آینده، به‌ویژه در آخرت، مشخص خواهد شد. مزرعه به‌عنوان حوزه‌ی مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. مزرعه محلی برای کاشت و برداشت محصولات است و با ویژگی‌هایی چون تلاش، مراقبت و برداشت ثمرات شناخته می‌شود. مزرعه به‌عنوان محلی برای کاشت بذرها و برداشت محصولات شناخته می‌شود. این مکان نیاز به تلاش، مراقبت و توجه دارد تا در نهایت محصولات خوب و مرغوبی به‌دست آید. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که اعمال و رفتارهای انسان‌ها در دنیا نیز نیاز به تلاش و مراقبت دارد و نتیجه‌ی آن‌ها در آینده مشخص خواهد شد.

دنیا به‌عنوان مکانی توصیف می‌شود که در آن انسان‌ها می‌توانند اعمال و رفتارهای خود را بکارند. این اعمال و رفتارها مانند بذرهایی هستند که در زمین کاشته می‌شوند و نیاز به مراقبت و توجه دارند. نتایج این اعمال در آینده، به‌ویژه در آخرت، به‌صورت پاداش یا مجازات مشخص خواهد شد. این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که دنیا محلی برای کاشتن اعمال و رفتارها است و نتایج این اعمال در آینده به‌دست خواهد آمد؛ بنابراین، باید به اعمال و رفتارهای خود توجه ویژه‌ای داشت و تلاش کرد تا بذرهایی خوبی کاشته شود. مزرعه به‌عنوان محلی برای کاشت بذرها و برداشت محصولات شناخته می‌شود. این مکان نیاز به تلاش، مراقبت و توجه دارد تا محصولات خوبی به‌دست آید. بدون تلاش و مراقبت، محصولات خوبی به‌دست نمی‌آید و زمین بایر خواهد ماند. ویژگی‌های مزرعه به‌طور مستقیم با دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که در مزرعه نیاز به تلاش و مراقبت برای به‌دست آوردن محصولات خوب است، در دنیا نیز انسان‌ها باید با تلاش و مراقبت، اعمال و رفتارهای خوبی داشته باشند تا در آینده نتایج خوبی بگیرند.

تمثیل «مزرعه بودن دنیا» با استفاده از مزرعه به‌عنوان حوزه‌ی مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌ها و کارکردهای دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که دنیا مکانی برای کاشت و برداشت اعمال و رفتارهای انسان‌ها است؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که اعمال و رفتارهای انسان‌ها در دنیا نتایج و ثمرات خود را در آینده نشان خواهند داد و باید به تلاش و مراقبت در این دنیا توجه ویژه‌ای داشت تا نتایج خوبی به‌دست آید.

- «آنچه از مزرع دنیا درویده‌اید زکات آن را خرج کنید و زاد راه خود را بردارید تا در بیابان محشر فرومایه و مستهلک نگردید که چنانچه حدیث الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ به آن ناظر است.» (شیرازی، ق ۱۱:

دنیا را می‌توان به مزرعه‌ای تشبیه کرد که در آن انسان‌ها به کشت و زرع می‌پردازند. همان‌طور که کشاورز در مزرعه بذر می‌کارد، آبیاری می‌کند و به مراقبت از محصول خود می‌پردازد تا در فصل برداشت محصولی خوب و پربار به دست آورد، انسان‌ها نیز در این دنیا باید با اعمال و رفتار نیکو و تلاش‌های مثبت خود بذرهایی برای آخرت بکارند.

کشتزار دنیا، نمادی از فرصتی است که به انسان داده شده تا با بهره‌گیری از نعمات و امکانات موجود، کارهای خیری انجام دهد که نتیجه‌اش را در آخرت ببیند. همان‌طور که یک کشاورز بدون زحمت و تلاش به محصول خوبی نمی‌رسد، انسان نیز بدون اعمال صالح و انجام وظایف دینی، نمی‌تواند در آخرت به سعادت و خوشبختی دست یابد؛ بنابراین، دنیا را می‌توان به مزرعه‌ای تشبیه کرد که در آن انسان با اعمال و رفتار خود بذرهایی می‌کارد که در آخرت به صورت پاداش یا جزا به بار می‌نشینند. اگر انسان در این مزرعه با دقت و توجه به کشت و زرع بپردازد و مراقب اعمال خود باشد، در آخرت محصولی خوب و پربار خواهد داشت و در غیر این صورت، دچار خسران و پشیمانی خواهد شد.

– مروارید و لؤلؤ بودن دنیا

«اگر تو عطیه‌نمایی به فقرا و مساکین و رفع احتیاج ایشان کنی و رد سائل‌نمایی و من هم به تو عطیه می‌نمایم و تو را درمانده نمی‌گذارم و به فقر و فاقهات مبتلا نمی‌گردانم. اگر تو لؤلؤ و مروارید دنیا عطیه خواهی نمود. من از لؤلؤ و جواهر عقبی بر تو انفاق می‌نمایم.» (شیرازی، ق ۱۱: ۲۸)

تمثیل «مروارید و لؤلؤ بودن دنیا» به توصیف دنیا از طریق مقایسه آن با مروارید و لؤلؤ می‌پردازد. این تمثیل به‌ویژه به این نکته اشاره دارد که دنیا، همچون مروارید و لؤلؤ، زیبا و جذاب به نظر می‌رسد؛ اما در حقیقت ارزش واقعی و پایدار ندارد.

دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی و توصیف ویژگی‌ها و ماهیت دنیا پرداخته می‌شود. در این تمثیل، دنیا به‌عنوان مکانی توصیف می‌شود که ظاهری زیبا و فریبنده دارد، مانند مروارید و لؤلؤ؛ اما این زیبایی و جذابیت ظاهری نمی‌تواند ارزش واقعی و پایداری داشته باشد. این ویژگی‌ها به این معناست که دنیا ممکن است جذاب و دل‌فریب باشد؛ اما در نهایت ناپایدار و گذرا است.

مروارید و لؤلؤ به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کنند. مروارید و لؤلؤ به‌عنوان جواهراتی زیبا و باارزش شناخته می‌شوند که با ویژگی‌هایی چون زیبایی و جذابیت ظاهری توصیف می‌شوند.

مروارید و لؤلؤ به‌عنوان نمادهایی از زیبایی و جذابیت ظاهری شناخته می‌شوند. این جواهرات با وجود زیبایی و درخشندگی، ارزش پایدار و واقعی در زندگی معنوی و اخروی ندارند. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان داده شود که دنیا نیز مانند این جواهرات، ظاهری زیبا و فریبنده دارد، اما ارزش واقعی و پایدار ندارد.

دنیا به‌عنوان مکانی توصیف می‌شود که ظاهری زیبا و جذاب دارد، مانند مروارید و لؤلؤ. این توصیف به این معناست که دنیا می‌تواند انسان را با ظاهر فریبنده‌اش جذب کند؛ اما این جذابیت سطحی و ناپایدار است.

این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که نباید فریب ظاهر زیبا و جذاب دنیا را خورد و باید به ارزش‌های واقعی و پایدار توجه کرد که در زندگی معنوی و اخروی دارای اهمیت هستند.

مروارید و لؤلؤ به‌عنوان نمادهایی از زیبایی و جذابیت ظاهری شناخته می‌شوند. این جواهرات با وجود زیبایی و درخشندگی، در نهایت نمی‌توانند ارزش واقعی و پایداری داشته باشند و تنها ظاهر فریبنده‌ای دارند. ویژگی‌های مروارید و لؤلؤ به‌طور مستقیم با دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که مروارید و لؤلؤ زیبا و فریبنده هستند؛ اما ارزش پایدار ندارند، دنیا نیز با وجود ظاهر زیبا و جذاب، در نهایت ناپایدار و گذرا است.

تمثیل «مروارید و لؤلؤ بودن دنیا» با استفاده از مروارید و لؤلؤ به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌ها و ماهیت دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که دنیا ظاهری زیبا و فریبنده دارد، اما ارزش واقعی و پایدار ندارد؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که نباید فریب ظاهر جذاب دنیا را خورد و باید به ارزش‌های واقعی و پایدار توجه کرد که در زندگی معنوی و اخروی دارای اهمیت هستند.

- دوستی دنیا مانند دوستی طفل به مادر

«حضرت عیسی (ع) فرمودند که: دوستی دنیا به چه مرتبه داشتید؟ می‌گفتند که مانند دوستی طفل به مادر که هرگاه رو می‌آورد به ما خوشحال می‌شدیم و مسرور و فرحناک می‌گشتیم و هر وقتی که از ما رو برمی‌تافت می‌گریستم و غمناک می‌گشتم.» (شیرازی، ق ۱۱: ۷۹)

تمثیل «دوستی دنیا مانند دوستی طفل به مادر» به توصیف و بررسی وابستگی انسان به دنیا از طریق مقایسه آن با وابستگی و علاقه شدید طفل به مادرش می‌پردازد. دوستی دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی و توصیف نوع و میزان وابستگی و علاقه انسان به دنیا پرداخته می‌شود. در این تمثیل، دوستی و علاقه به دنیا به‌عنوان یک وابستگی شدید و غیرقابل جدایی

توصیف می‌شود. این وابستگی نشان‌دهنده تأثیر و جذابیت زیاد دنیاست که می‌تواند انسان را به خود وابسته کند.

دوستی طفل به مادر به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. دوستی و علاقه طفل به مادر یکی از قوی‌ترین و طبیعی‌ترین روابط انسانی است که با ویژگی‌هایی چون وابستگی شدید، نیازمندی و علاقه بی‌پایان شناخته می‌شود. دوستی و علاقه طفل به مادر با ویژگی‌هایی چون وابستگی شدید، نیازمندی و علاقه بی‌پایان شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به وابستگی انسان به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که انسان می‌تواند به همان اندازه به دنیا وابسته و نیازمند باشد.

دوستی و علاقه به دنیا به‌عنوان یک وابستگی شدید و غیرقابل جدایی توصیف می‌شود. این توصیف به معنای آن است که انسان به دلیل جذابیت‌ها و لذت‌های دنیوی به دنیا وابسته می‌شود و این وابستگی می‌تواند به حدی باشد که جدا شدن از آن برای انسان دشوار باشد. این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که وابستگی به دنیا می‌تواند به‌اندازه وابستگی طفل به مادر قوی و غیرقابل جدا شدن باشد. این وابستگی می‌تواند باعث شود که انسان از مسائل مهم‌تر و معنوی غافل شود.

دوستی و علاقه طفل به مادر با ویژگی‌هایی چون وابستگی شدید، نیازمندی و علاقه بی‌پایان شناخته می‌شود. این رابطه به دلیل نیاز طبیعی طفل به مراقبت و حمایت مادر شکل می‌گیرد و یکی از قوی‌ترین و بنیادی‌ترین روابط انسانی است. ویژگی‌های دوستی و علاقه طفل به مادر به‌طور مستقیم با دوستی دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که طفل به مادر وابسته و نیازمند است، انسان نیز می‌تواند به دنیا وابسته و نیازمند باشد.

تمثیل «دوستی دنیا مانند دوستی طفل به مادر» با استفاده از دوستی طفل به مادر به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری وابستگی انسان به دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که دوستی و علاقه به دنیا می‌تواند به‌اندازه دوستی و علاقه طفل به مادر، قوی و غیرقابل جدا شدن باشد؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که وابستگی به دنیا می‌تواند بسیار شدید و ناپایدار باشد و ممکن است انسان را از مسائل مهم‌تر و معنوی غافل کند.

—صدقه دنیا

«اگر کسی، خواه مرد، خواه زن که تصدق کند به یک خرما. یا به بعضی از خرما پس آن صدقه او را نگاه می‌دارد و او را تربیت می‌کند. چنانچه اشتر بچه خود را پرورد. پس در روز قیامت، ملاقت کند؛ مرا در حالتی که آن ثمره به نظر می‌آید مانند کوه اُحد. ای دوست نظر کن که هرگاه در دنیا کسی

تصدّق کند از روی اخلاص و یقین مثل کوه احد در نظر آید. پس ثواب عظیم و درجات جسیم خواهی یافت.» (شیرازی، ق ۱۱: ۲۴)

تمثیل «ارزش صدقه دادن در دنیا به کوه احد» به توصیف اهمّیت و عظمت صدقه دادن از طریق مقایسه آن با کوه احد می‌پردازد. این تمثیل به‌طور مؤثری از ویژگی‌های بزرگ و ثابت کوه احد استفاده می‌کند تا اهمّیت و ارزش صدقه دادن را نشان دهد.

ارزش صدقه دادن به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی و توصیف اهمّیت و تأثیر صدقه دادن در دنیا پرداخته می‌شود. در این تمثیل، صدقه دادن به‌عنوان عملی بسیار مهم و ارزشمند توصیف می‌شود که می‌تواند تأثیرات بزرگی داشته باشد. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که صدقه دادن می‌تواند به‌اندازه کوه احد بزرگ و مؤثر باشد. کوه احد به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. کوه احد یکی از معروف‌ترین و بزرگ‌ترین کوه‌های منطقه حجاز در عربستان است و به دلیل نقش تاریخی و مذهبی‌اش، به‌طور نمادین به ویژگی‌هایی چون بزرگی، پایداری و اهمّیت اشاره دارد.

کوه احد با ویژگی‌هایی چون بزرگی، پایداری و اهمّیت تاریخی و مذهبی شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به ارزش و اهمّیت صدقه دادن نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که صدقه دادن می‌تواند به‌اندازه این کوه بزرگ و مؤثر باشد.

صدقه دادن به‌عنوان عملی بزرگ و باارزش توصیف می‌شود. این توصیف به معنای آن است که صدقه دادن می‌تواند تأثیرات بزرگی داشته باشد و به همان اندازه که کوه احد بزرگ و بااهمّیت است، صدقه دادن نیز باارزش و مؤثر است. این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که صدقه دادن، به دلیل تأثیرات بزرگ و مثبتی که دارد، عملی بسیار باارزش است و باید به آن توجه ویژه‌ای داشت. این اهمّیت به‌اندازه‌ای است که می‌تواند با یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین کوه‌ها مقایسه شود. کوه احد به‌عنوان نمونه‌ای از بزرگی، پایداری و اهمّیت عمل می‌کند. این ویژگی‌ها شامل بزرگی فیزیکی، پایداری در طول زمان و اهمّیت تاریخی و مذهبی است. ویژگی‌های کوه احد به‌طور مستقیم با صدقه دادن مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که کوه احد بزرگ و بااهمّیت است، صدقه دادن نیز می‌تواند به همان اندازه باارزش و مؤثر باشد.

تمثیل «ارزش صدقه دادن در دنیا به کوه احد» با استفاده از کوه احد به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری اهمّیت و ارزش صدقه دادن را توصیف می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که صدقه دادن می‌تواند

به‌اندازه کوه احد بزرگ و بارزش باشد؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که صدقه دادن عملی بسیار مهم و بارزش است که تأثیرات بزرگی دارد و باید به آن توجه ویژه‌ای داشت.

ب - دنیای مذموم

اگر رابطه انسان با دنیا بر اساس خواسته‌ها و امیال و غرایز و شهوات آزاد باشد و برای به دست آوردن چنین دنیایی حق دیگران ملاحظه نشود؛ چنین دنیایی، شر محض و مخرب آخرت است؛ به عبارت دیگر دنیای مذموم، همان اوهام و خیال‌بافی‌ها و تعلقاتی است که آدمی را از خدا دور می‌کند و مانند سراب باطل است. قرآن کریم، برای دنیا پنج مرحله بیان کرده است که ذنبا لعِبٌ و لَهْوٌ و سراسر آن مذموم است. «أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَتَكَاثُرٌ فِي آلٍ» (حدید: ۲۰). همانا زندگی دنیا بازی، سرگرمی، تجمل‌پرستی و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان است. «این آیه، ترسیم‌گویی از وضع زندگی دنیا، مراحل مختلف آن و انگیزه‌های حاکم بر هر مرحله است. خدای سبحان در آیه یاد شده، زندگی دنیا را بازی، سرگرمی، زینت و تجمل‌پرستی، تفاخر در میان مردم و افزودن طلبی در اموال و فرزندان دانسته است؛ بنابراین، بازی، سرگرمی، تجمل، تفاخر و تکاثر، دوران‌های پنج‌گانه‌ای است که بر عمر آدمی می‌گذرد.» (صدوقی فر، ۱۳۸۸: ۲۰۷)

حطام دنیا

«پس در بازار توکل، دین و دل، بهر حطام دنیا مفروش و از گرداب تعلقات این سرا راحت، رخت را به ساحل رسان و در طریق بندگی، نشان داغ عبودیت بر جبهه خود نقش کن و از زاویه قناعت قدم بیرون مگذار و حق توکل بجا آور که روزی تو را معبود تو مساوی خواهد بود و درجه متوکلون را در جنت خواهی یافت.» (شیرازی، ق ۱۱: ۳۱)

تمثیل «حطام دنیا» یکی از مفاهیم و تعبیر مهم در ادبیات و آموزه‌های دینی و اخلاقی است که به‌منظور نشان دادن بی‌ارزشی و ناپایداری مادیات و لذات دنیوی به کار می‌رود. در این تمثیل، دنیا به حطام (خرده‌ریز و چیزهای بی‌ارزش) تشبیه شده است. حطام دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل به کار می‌رود. این اصطلاح به‌طور خاص به بخش‌های فاسد و نابود شده دنیا اشاره دارد و به‌عنوان نمادی از وضعیت ناپایدار، فانی و بی‌ارزش دنیا مطرح می‌شود. این تمثیل دنیا را به‌عنوان چیزی که به‌مرور زمان خراب شده، ناپایدار و بی‌ارزش به تصویر می‌کشد. «حطام» به معنای بقایا و ویرانه‌هاست که به‌طور ضمنی به نابودی و بی‌ثباتی دنیا اشاره می‌کند.

حطام به‌عنوان حوزه مبدأ، برای توصیف دنیا به کار می‌رود. حطام به معنی خرابه‌ها و بقایای چیزی است که زمانی وجود داشته و اکنون خراب شده است. این مفهوم به‌عنوان نمونه‌ای از وضعیّت دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. حطام به‌عنوان بقایای یک ساختار یا چیزی که زمانی از آن استفاده می‌شد، ویژگی‌های خاصی دارد: نابودی، بی‌ارزشی و زوال. این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم به توصیف وضعیّت فعلی دنیا که به‌مرور زمان به زوال و فساد دچار شده است، کمک می‌کند.

در این تمثیل، دنیا به‌عنوان چیزی فانی و ناپایدار توصیف می‌شود. دنیا به‌عنوان مجموعه‌ای از بقایا و خرابه‌ها که به‌مرور زمان به بی‌ارزشی و زوال دچار شده است، ارائه می‌شود. این تصویر به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که تمام دستاوردها، ثروت‌ها و لذّات دنیوی به‌طور نهایی بی‌ارزش و ناپایدار هستند.

حوزه مبدأ (حطام)؛ حطام به‌عنوان نماد و مثال از وضعیّت دنیا، ویژگی‌هایی چون خرابی، زوال و بی‌ارزشی را به تصویر می‌کشد. این مفهوم به‌طور مؤثر برای توصیف وضعیّت دنیا و تأثیرات آن به کار می‌رود. این ویژگی‌های حطام به‌طور مستقیم با ویژگی‌های دنیا مقایسه می‌شود تا به تأکید بر بی‌ارزشی و فانی بودن دنیا کمک کند. تمثیل «حطام دنیا» با استفاده از حطام به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌های دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل دنیا را به‌عنوان مجموعه‌ای از خرابه‌ها و بقایای بی‌ارزش و ناپایدار معرفی می‌کند و از طریق این مقایسه، تأکید می‌کند که دستاوردها و لذّات دنیوی در نهایت به زوال و بی‌ارزشی خواهند رسید. این تمثیل به مخاطب کمک می‌کند تا با توجّه به ویژگی‌های حطام، به درک عمیق‌تری از وضعیّت و ماهیّت دنیا دست یابد.

دنیا همانند کرم ابریشم

«از ابی‌عبدالله (ع) نقل شده که حضرت امام محمدباقر (ع) فرمودند: مثل حریص دنیا و مشابه آن مانند کرم ابریشم است که هرچند زیاده‌لعب بر خود بیچند دورتر از بیرون آمدن و خلاص شدن از تنگنای لعب خود می‌گردد. تا آنکه از غم و قصّه حمل و بار گران آنچه بر خود تنیده هلاک می‌شود و در میان لعب خود می‌میرد.» (شیرازی، ق ۱۱: ۱۸۷)

حوزه مقصد در این تمثیل، دنیا است. در اینجا، دنیا به‌عنوان موضوع اصلی و نهایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از این تمثیل نشان دادن ویژگی‌ها، تأثیرات و محدودیّت‌های دنیا بر زندگی انسان‌ها است. به‌طور خاص، دنیا به‌عنوان چیزی که در نهایت می‌تواند به یک وضعیّت یا نتیجه خاص منتهی شود، مورد نظر است.

حوزه مبدأ، کرم ابریشم است. کرم ابریشم به‌عنوان نمونه‌ای از وضعیت یا ویژگی‌های خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد تا توصیف بهتری از دنیا ارائه شود. ویژگی‌های کرم ابریشم، به‌ویژه فرآیند تولید ابریشم، رشد و تغییر آن و نهایتاً تبدیل آن به یک پيله، برای توضیح ویژگی‌های دنیا به کار می‌رود. این ویژگی‌های کرم ابریشم، مانند فریبندگی و ظاهر جذاب، با ویژگی‌های دنیا مقایسه می‌شود. در نهایت، فرآیند طبیعی کرم ابریشم به پيله‌ای نهایی منجر می‌شود که به‌عنوان نمادی از پایان محدودیت‌ها و فریبندگی‌ها می‌تواند به کار رود.

تمثیل «دنیا همانند کرم ابریشم» به‌طور مؤثری از تشبیه کرم ابریشم برای توصیف ویژگی‌ها و تأثیرات دنیا استفاده می‌کند. در این تمثیل، کرم ابریشم به‌عنوان حوزه مبدأ، ویژگی‌هایی از قبیل فریبندگی و تغییر تدریجی را نمایان می‌کند، در حالی که دنیا به‌عنوان حوزه مقصد، به‌عنوان نمونه‌ای از یک وضعیت نهایی محدود و فریبنده ارائه می‌شود. این تمثیل به مخاطب کمک می‌کند تا از طریق درک ویژگی‌های کرم ابریشم، به درک بهتری از ماهیت و محدودیت‌های دنیا برسد.

تمثیل «حریص به دنیا مانند کرم ابریشم است» به شیوه‌ای آموزنده و تأثیرگذار به بیان اثرات منفی حرص و طمع در دنیا می‌پردازد. این تمثیل به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه حرص و طمع می‌تواند انسان را در دام خود گرفتار کند و او را از ارزش‌های معنوی و هدف‌های والای زندگی دور نماید. این تمثیل، شباهت‌هایی میان حریص به دنیا و کرم ابریشم وجود دارد. این تمثیل به زیبایی نشان می‌دهد که چگونه حرص و طمع می‌تواند انسان را در دام خود گرفتار کند و او را از دیدن واقعیت‌ها و ارزش‌های مهم‌تر باز دارد. این تمثیل به ما یادآوری می‌کند که باید از حرص و طمع دوری کنیم و به‌جای تمرکز بر مادیات، به دنبال آرامش، معنویت و ارزش‌های پایدار باشیم. همان‌طور که کرم ابریشم باید از پيله خود رها شود تا به پروانه‌ای زیبا تبدیل شود، انسان نیز باید از حرص و طمع رهایی یابد تا به آرامش و رشد معنوی دست یابد.

بیمار بودن حریص به دنیا

«که هرگاه مریض نظر کند به طعام و بخورد لذت او را نمی‌یابد. به سبب وجعی که دارد؛ مانند حریص دنیا که لذت از عبادت نمی‌یابد؛ زیرا که به مرض ذات الصدر و سوسه دنیا مبتلا گشته. از نعمت بندگی خدا و از مائده فائده عقبی بی‌نصیب گشته. دوستی دنیا در دل او به نقطه سودای قساوت زینت پذیرفته. از حلاوت عبادت که محل او قلب است بی‌بهره گشته.» (همان: ۳۴)

تمثیل فوق به شیوه‌ای آموزنده به بیان تأثیر حرص و دل‌بستگی به دنیا بر توانایی انسان در لذت بردن از عبادت و امور معنوی پرداخته است. در این تمثیل، شباهت‌هایی میان حالت بیمار و فرد حریص به

دنیا وجود دارد. بیماری که به غذا نگاه می‌کند و آن را می‌خورد، قادر به لذت بردن از غذا نیست. به همین ترتیب، فرد حریص به دنیا به دلیل دل‌بستگی و تمرکز بیش از حد بر مادیات، قادر به درک و لذت بردن از عبادت و امور معنوی نیست. روح او نیز به دلیل حرص و طمع بیمار است.

تمثیل «حریص به دنیا، بیمار است» به‌طور خاص به تحلیل وضعیّت روحی و معنوی فردی که به دنیا و مادیات آن وابسته است، می‌پردازد. حریص به دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این اصطلاح به فردی اشاره دارد که به‌شدت به مادیات دنیا وابسته و دل‌بسته است و برای کسب و حفظ ثروت و لذات دنیوی تلاش می‌کند. فرد حریص به دنیا به‌طور مداوم به دنبال لذت‌ها و سودهای مادی است و این وابستگی به دنیا می‌تواند به او آسیب برساند و باعث شود که از جنبه‌های معنوی و روحی خود غافل بماند.

بیمار به‌عنوان حوزه مبدأ، برای توصیف وضعیّت فرد حریص به دنیا به کار می‌رود. در این تمثیل، بیمار به‌عنوان نمونه‌ای از وضعیّت روحی و معنوی فردی که به دنیا وابسته است، ارائه می‌شود. بیمار به معنای کسی است که از نظر جسمی یا روحی دچار مشکل است و نمی‌تواند از لذت‌های ساده و عادی زندگی بهره‌مند شود. این وضعیّت، به‌طور نمادین به وضعیّت روحی و معنوی فردی که به دنیا وابسته است، اشاره دارد. این تمثیل به این نکته اشاره دارد که وابستگی شدید به دنیا و لذات مادی می‌تواند منجر به نوعی بیماری روحی و معنوی شود که باعث می‌شود فرد از لذت‌های واقعی و معنوی زندگی غافل بماند.

بیمار به‌عنوان یک نماد از وضعیّت روحی و معنوی کسی که به دنیا وابسته است، ویژگی‌هایی چون ضعف، درد و عدم توانایی در لذت بردن از زندگی را نمایان می‌کند. ویژگی‌های بیماری به‌طور مستقیم با وضعیّت فرد حریص به دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که چگونه وابستگی به دنیا می‌تواند به وضعیّت روحی و معنوی آسیب برساند.

تشبیه دنیا و آخرت به زن

«از نور دیده عالم و زبده خلاصه بنی‌آدم صلی الله علیه و اله و سلم مروی است که: دنیا و آخرت مانند دو زنند که در حباله یک شوهرند و رضای هر یک موجب رنجش آن دیگر است. اگر آخرت را اختیار نمودی به نعیم ابدی رسی و اگر دنیا را ترجیح دهی عذاب عقبی را برای خود مهیا نمودی.» (همان: ۳۵)

تمثیل «دنیا و آخرت مانند دو زنند که در حباله یک شوهرند» به‌طور خاص به مقایسه و تضاد بین دنیا و آخرت پرداخته و به بررسی روابط و تعارضات بین این دو حوزه می‌پردازد. دنیا و آخرت به‌عنوان

حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارند. این دو مفهوم به‌طور مستقیم به موضوعات اصلی این تمثیل اشاره دارند و به بررسی تضادها و تعاملات میان آنها می‌پردازند. دنیا به‌عنوان نماینده لذات مادی، امور دنیوی و گذرا، آخرت به‌عنوان نماینده ارزش‌های معنوی، امور پایدار و ابدی.

دو زن و یک شوهر به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل به کار می‌روند. این حوزه برای توضیح و توصیف روابط و تضادهای میان دنیا و آخرت استفاده می‌شود و ویژگی‌های خاصی را برای شرح دادن به کار می‌برد.

دو زن، نماینده دو طرف متضاد و در عین حال در ارتباط با یکدیگر و یک شوهر، نماینده وضعیتی و یا موقعیتی که دو طرف (دنیا و آخرت) به‌نوعی به آن وابسته‌اند یا با آن در ارتباط هستند.

در این تمثیل، دنیا و آخرت به‌عنوان دو عنصر مهم و متضاد در زندگی انسانی معرفی می‌شوند. دنیا به‌عنوان نماینده لذت‌های زودگذر و مادی و آخرت به‌عنوان نماینده حقیقت‌های پایدار و معنوی. تمثیل به این نکته اشاره دارد که در نهایت، انتخاب و رضایت از یکی از این دو، به قیمت رنج و نارضایتی از دیگری خواهد بود. این تضاد و تعامل میان دنیا و آخرت می‌تواند بر تصمیمات و انتخاب‌های فرد تأثیر بگذارد.

دو زن، نماینده تضاد و رقابت. در اینجا، دو زن نماینده دو عرصه متفاوت (دنیا و آخرت) هستند که هرکدام خواستار توجه و اولویت خاص خود هستند.

یک شوهر، نماینده وضعیتی یا موقعیتی که این دو عنصر (دنیا و آخرت) به آن وابسته‌اند یا در آن تعارض دارند. ویژگی‌های رابطه دو زن با شوهر به‌طور مستقیم به روابط میان دنیا و آخرت مقایسه می‌شود تا تضادها و تعاملات بین آنها توضیح داده شود.

تمثیل «دنیا و آخرت مانند دو زنند که در حباله یک شوهرند» با استفاده از دو زن و یک شوهر به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری تضاد و تعاملات میان دنیا و آخرت را توصیف می‌کند. این تمثیل به این نکته اشاره دارد که مانند دو زن که به‌نوعی در رقابت و تضاد با یکدیگر هستند، دنیا و آخرت نیز به‌عنوان دو عرصه متفاوت و متضاد در زندگی انسان‌ها عمل می‌کنند. در نهایت، این تمثیل تأکید می‌کند که انتخاب و توجه به یکی از این دو می‌تواند تأثیرات و پیامدهایی برای دیگری داشته باشد.

وفای زنان همچون مهر دنیا

«پس ای عزیز، دل در وفای زنان نباید بست و علاقه محبتشان به گردن جان نباید انداخت؛ که به‌جز محرومی و بی‌وفایی که کیش ایشان است؛ حاصلی ندارد و ایشان مثل دنیا بی‌وفا و بی‌اعتبارند. پس اولی آن است که ترک هر دو نمائی و به واحد حقیقی متصل شوی.» (شیرازی، ق ۱۱: ۱۳۹)

تمثیل «وفای زنان همچون مهر دنیا» به‌طور خاص به مقایسه و تحلیل وفاداری زنان در برابر مهر و محبت دنیا می‌پردازد. وفای زنان به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی ویژگی‌های وفاداری و محبت در زنان پرداخته و به تحلیل آن از منظر وفاداری و قابل اعتماد بودن می‌پردازد.

وفای زنان به‌طور کلی به معنای وفاداری، محبت و تعهد در روابط است. این وفاداری می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی مثبت و مطلوب در نظر گرفته شود؛ ولی در این تمثیل، این وفاداری به مهر دنیا و ویژگی‌های آن مقایسه می‌شود.

مهر دنیا به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. این حوزه برای توصیف و تحلیل مهر و محبت دنیا به کار می‌رود و ویژگی‌های آن به‌طور نمادین به وفای زنان نسبت داده می‌شود. مهر دنیا به معنای وابستگی و تعلق خاطر به لذات و جذابیت‌های دنیوی است که معمولاً فریبنده و ناپایدار توصیف می‌شود. مهر دنیا می‌تواند به‌عنوان چیزی که از نظر اخلاقی و معنوی بی‌ثبات و فریبنده است، تحلیل شود.

وفای زنان به‌عنوان یک ویژگی مثبت و مطلوب، به‌طور معمول به معنای تعهد، محبت و اعتماد است. در این تمثیل، این وفاداری در برابر مهر دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که وفاداری به مهر دنیا چگونه می‌تواند دستخوش تغییر و بی‌ثباتی شود. مهر دنیا به‌عنوان چیزی فریبنده، ناپایدار و بی‌ثبات توصیف می‌شود. این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم با وفای زنان مقایسه می‌شود تا نشان دهد که مهر دنیا، مشابه به وفاداری زنان، ممکن است در عمل به همان اندازه ناپایدار و فریبنده باشد.

تمثیل «وفای زنان همچون مهر دنیا» با استفاده از مهر دنیا به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌های وفای زنان را به تصویر می‌کشد. این تمثیل نشان می‌دهد که همان‌طور که مهر دنیا ممکن است فریبنده و ناپایدار باشد، وفای زنان نیز ممکن است تحت تأثیر این ویژگی‌ها قرار گیرد؛ به عبارت دیگر، وفاداری به مهر دنیا می‌تواند به همان اندازه ناپایدار و متغیر باشد و به تحلیل معنای واقعی و پایدار وفاداری و محبت کمک می‌کند.

لباس عاریت دنیا

«نقل است که حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام به کوه طور عبور می‌کرد. برهنه را دید که لباس عاریت دنیا از او خلع شده و معراً از علایق گشته. در نماز و عبادت حق مشغول بود.» (شیرازی، ق ۱۱:

تمثیل «لباس عاریت دنیا» برای توصیف ویژگی‌های دنیا و حالت‌های انسانی که با آن مواجه می‌شوند، استفاده می‌شود. دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. در اینجا، دنیا به‌عنوان موضوع اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به‌عنوان چیزی که به‌طور موقت و ناپایدار به انسان تعلق دارد، توصیف می‌شود.

دنیا به‌عنوان لباس عاریت یا موقت توصیف می‌شود که نشان‌دهنده ناپایداری و بی‌دوامی آن است. این تصویر به این معناست که دنیا و لذات آن به‌طور موقت و گذرا هستند و در نهایت باید ترک شوند. لباس عاریت به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل به کار می‌رود. لباس عاریت به معنای لباسی است که به‌طور موقت و قرضی به کسی داده شده و باید به صاحب اصلی آن بازگردانده شود. لباس عاریت ویژگی‌هایی چون موقت بودن، بی‌دوامی و عدم تعلق دائم دارد. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که دنیا و لذات آن به‌طور موقت و گذرا هستند. دنیا به‌عنوان چیزی که به‌طور موقت در اختیار انسان‌ها قرار دارد، توصیف می‌شود. این تمثیل به‌طور خاص به ناپایداری و گذرای دنیا اشاره دارد و به این نکته می‌پردازد که تمامی دستاوردها و لذات دنیوی در نهایت موقتی هستند و باید ترک شوند. این تصویر به مخاطب یادآوری می‌کند که نباید به دنیا و لذات آن وابسته و دل‌بسته شد، زیرا همه‌چیز به‌طور موقت و گذراست. لباس عاریت به‌عنوان نمونه‌ای از وضعیّت موقت و بی‌دوامی عمل می‌کند. این لباس به‌طور موقت به کسی داده شده و باید در نهایت به صاحب اصلی آن بازگردانده شود. ویژگی‌های لباس عاریت به‌طور مستقیم به دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که لباس عاریت به‌طور موقت به کسی داده می‌شود و در نهایت باید بازگردانده شود، دنیا نیز موقتی و گذراست و باید از آن جدا شد.

دنیا دام بلا

«که امکان آن دارد که به سبب حصول این نعمت عظمی و وصول این موهبت کبری از جانب نفس اماره خارجی در دامن روزگار تو متشبّث گردد و گلشن ثواب به سموم بطلان تأخیر در صدقه پژمرده شود و شیطان حیل‌گر به فریب زینت دنیا تو را در دام بلا افکند. پس سعی در انفاق مال خود به مستحقین نما که تا در آخرت مثاب و مأجور باشی و در دنیا از شرّ شیطان محفوظ مانی.» (همان: ۹۵)

حوزه مقصد (دنیا) تمثیل «دنیا دام بلا» به‌طور خاص برای توصیف وضعیّت دنیا به‌عنوان فریبنده و گمراه‌کننده استفاده می‌شود. دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. در این تمثیل، دنیا به‌عنوان دام بلا توصیف می‌شود که به معنای جایی است که می‌تواند افراد را به دام بیندازد و به‌نوعی

فریبنده و گمراه‌کننده باشد. این توصیف به دنیا به‌عنوان جایی که به‌طور غیرمستقیم می‌تواند انسان‌ها را به مشکلات و سختی‌ها دچار کند، اشاره دارد.

دام بلا به‌عنوان حوزه‌ی مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. دام بلا به معنای تله یا دام‌هایی است که برای شکار و گرفتن حیوانات به کار می‌رود و به‌طور نمادین به وضعیتی که می‌تواند افراد را به دام بیندازد و به مشکلات و سختی‌ها گرفتار کند، اشاره دارد. دام بلا ویژگی‌هایی چون فریبندگی، پنهان بودن و توانایی در به دام انداختن دارد. این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم به دنیا نسبت داده می‌شود تا توصیف کند که دنیا می‌تواند به‌طور غیرمستقیم انسان‌ها را به دام بیندازد و مشکلات و مشکلاتی ایجاد کند. دنیا به‌عنوان چیزی که می‌تواند انسان‌ها را به دام بیندازد و به‌طور غیرمستقیم مشکلات و مشکلاتی ایجاد کند، توصیف می‌شود. این توصیف به‌طور خاص به فریبندگی و گمراه‌کننده بودن دنیا اشاره دارد. این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که دنیا می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به مشکلات و سختی‌ها منجر شود و باید به‌عنوان جایی که می‌تواند به دام بیندازد، مورد توجه قرار گیرد.

دام بلا به‌عنوان نمونه‌ای از وضعیت فریبنده و گمراه‌کننده عمل می‌کند. این دام به‌طور معمول برای گرفتن حیوانات استفاده می‌شود و ویژگی‌های خاصی از جمله پنهان بودن و توانایی در به دام انداختن را دارد. ویژگی‌های دام بلا به‌طور مستقیم با دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که دام بلا می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به دام انداختن حیوانات منجر شود، دنیا نیز می‌تواند به‌طور غیرمستقیم مشکلات و سختی‌ها ایجاد کند.

تمثیل «دنیا دام بلا» با استفاده از دام بلا به‌عنوان حوزه‌ی مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌های دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل به‌وضوح نشان می‌دهد که دنیا به‌عنوان چیزی فریبنده و گمراه‌کننده می‌تواند به مشکلات و سختی‌ها منجر شود؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که دنیا می‌تواند به‌طور غیرمستقیم افراد را به دام بیندازد و باید به آن با احتیاط و دوراندیشی نگاه کرد.

دنیا همچون آب شور

«لَهَذَا بَعْضَى مِنْ اصْحَابِ عَصْمَتِ سَلَامٍ اللهُ دُنْيَاىَ دُنَى رَا بِهْ اَبْ شُورِ تَشْبِيهٍ نَمُودَه‌اَنْد؛ كِه هِرْچَنْد بِيَشْتَرِ نُوشَنْد، حِرَارَتِ وَ تَشْنِگِىِ حِرْصِ زِيَادَهْ گَرْدَد.» (همان: ۳۲)

تمثیل «دنیا همچون آب شور» به‌طور خاص به مقایسه ویژگی‌های دنیا با آب شور پرداخته و نشان می‌دهد که چطور دنیا می‌تواند به‌طور مشابه با آب شور ویژگی‌هایی فریبنده و ناپایدار داشته باشد.

دنیا به‌عنوان حوزه‌ی مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی ویژگی‌های دنیا و تجربیات انسان‌ها در آن می‌پردازد. در این تمثیل، دنیا به‌عنوان چیزی که مشابه با آب شور است، توصیف

می‌شود. این به معنای آن است که دنیا دارای ویژگی‌های فریبنده و ناپایدار است. آب شور معمولاً به‌عنوان چیزی که برای رفع تشنگی مناسب نیست و به‌جای آرامش، موجب افزایش تشنگی می‌شود، شناخته می‌شود؛ بنابراین، دنیا نیز به‌عنوان چیزی توصیف می‌شود که ممکن است ابتدا جذاب به نظر برسد، اما در واقع نمی‌تواند به‌طور کامل رضایت و آرامش را فراهم کند.

آب شور به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. آب شور به معنای آبی است که حاوی مقدار زیادی نمک بوده و نوشیدن آن نمی‌تواند تشنگی را رفع کند، بلکه ممکن است آن را افزایش دهد.

آب شور ویژگی‌هایی چون فریبندگی، عدم توانایی در رفع تشنگی و افزایش حس تشنگی را دارد. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که دنیا نیز می‌تواند فریبنده باشد و به‌جای رفع نیازهای واقعی انسان، ممکن است تنها حس تشنگی و نیاز بیشتر را به همراه داشته باشد.

دنیا به‌عنوان چیزی که مشابه با آب شور عمل می‌کند، توصیف می‌شود. این توصیف به معنای آن است که دنیا می‌تواند جذاب و فریبنده به نظر برسد، اما در نهایت نمی‌تواند رضایت و آرامش واقعی را فراهم کند و ممکن است موجب افزایش نیازها و نارضایتی شود.

این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که وابستگی به لذات و جذابیت‌های دنیوی ممکن است به‌طور موقت رضایت‌بخش به نظر برسد، اما در نهایت نمی‌تواند نیازهای عمیق‌تر و واقعی انسان را برآورده کند. آب شور به‌عنوان نمونه‌ای از وضعیت فریبنده و ناپایدار عمل می‌کند. این آب برای رفع تشنگی مناسب نیست و ممکن است به افزایش تشنگی منجر شود.

ویژگی‌های آب شور به‌طور مستقیم با دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که آب شور نمی‌تواند تشنگی را رفع کند و ممکن است آن را بدتر کند، دنیا نیز ممکن است به‌طور موقت جذاب به نظر برسد؛ اما در نهایت نتواند رضایت و آرامش واقعی را فراهم کند. تمثیل «دنیا همچون آب شور» با استفاده از آب شور به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌های دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که دنیا به‌عنوان چیزی فریبنده و ناپایدار مشابه با آب شور عمل می‌کند و نمی‌تواند نیازهای واقعی و عمیق انسان را برآورده کند؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که جذابیت‌های دنیوی ممکن است موقتاً رضایت‌بخش به نظر برسند، اما در نهایت نمی‌توانند به‌طور کامل و پایدار نیازهای عمیق انسان را برآورده کنند.

نخجیر علاقه دنیا

«در حدیث دیگر وارد شده، شخصی که بر نخجیر علاقه دنیا گرفتار گردد و به سه خصلت مبتلا می‌گردد. اول همی که فانی و برطرف نشود. دوم آرزویی که به ادراک او برسد. سیم امیدی که ثمره ناامیدی از او حاصل آید. پس ای فرزند جمع مال و بال است و سعی به قدر روزی کمال.» (همان: ۳۳)

تمثیل «نخجیر علاقه دنیا» به‌طور خاص به توصیف علاقه و وابستگی به دنیا و ویژگی‌های آن از طریق مقایسه با نخجیر پرداخته است. نخجیر به معنای شکار حیوانات با استفاده از تله‌ها و دام‌هاست و در این تمثیل به‌عنوان نمادی از گیر افتادن در دامی استفاده می‌شود که به ویژگی‌های وابستگی و علاقه به دنیا اشاره دارد.

علاقه به دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی و توصیف ویژگی‌های وابستگی و علاقه به دنیا و پیامدهای آن پرداخته می‌شود. در این تمثیل، علاقه به دنیا به‌عنوان چیزی که می‌تواند انسان‌ها را در دام‌ها و تله‌های مختلف گرفتار کند، توصیف می‌شود. این علاقه به دنیا ممکن است باعث شود که فرد به‌شدت درگیر لذات و جذابیت‌های دنیوی شود، به‌طوری که او را از اهداف و معنویات واقعی منحرف کند.

نخجیر به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. نخجیر به معنای استفاده از تله‌ها و دام‌ها برای شکار حیوانات است و به‌طور نمادین به وضعیتی که می‌تواند انسان‌ها را به دام بیندازد، اشاره دارد. نخجیر به‌عنوان نمونه‌ای از تله‌های پیچیده و فریبنده عمل می‌کند که حیوانات را به دام می‌اندازد. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به علاقه به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که وابستگی به دنیا می‌تواند فرد را در تله‌های مختلف گرفتار کرده و او را از اهداف اصلی خود منحرف کند.

علاقه به دنیا به‌عنوان چیزی که می‌تواند فرد را در دام‌ها و مشکلات مختلف گرفتار کند، توصیف می‌شود. این علاقه ممکن است به فرد انگیزه دهد که درگیر لذات و جذابیت‌های دنیوی شود که ممکن است در نهایت منجر به مشکلات و انحراف از مسیر اصلی زندگی او گردد. این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که وابستگی شدید به دنیا و لذات آن می‌تواند به دام‌هایی منجر شود که فرد را از اهداف معنوی و اصلی خود منحرف کند و مشکلات زیادی برای او ایجاد کند. نخجیر به‌عنوان نمونه‌ای از دام‌ها و تله‌ها که حیوانات را به دام می‌اندازد، توصیف می‌شود. این ویژگی‌ها شامل فریبندگی، پیچیدگی و توانایی در به دام انداختن است. ویژگی‌های نخجیر به‌طور مستقیم با علاقه به دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که نخجیر می‌تواند حیوانات را به دام بیندازد، علاقه به

دنیا نیز می‌تواند انسان‌ها را در تله‌های مختلف گرفتار کند و آنها را از اهداف اصلی و معنوی خود منحرف کند.

تمثیل «نخجیر علاقه دنیا» با استفاده از نخجیر به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌های وابستگی و علاقه به دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل به‌وضوح نشان می‌دهد که علاقه به دنیا می‌تواند به‌طور مشابه با تله‌ها و دام‌ها انسان‌ها را درگیر کند و از مسیر صحیح زندگی منحرف سازد؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که وابستگی به لذات دنیوی می‌تواند به مشکلات و انحرافات زیادی منجر شود و باید با احتیاط و دوراندیشی به این مسأله نگاه کرد.

دنیا مکاره است.

«پس مرتکب دنیا مشوید که این مکاره است؛ که بسی پرده ناموس‌ها را دریده و فریبده‌ای است که بسیار جگرها را در خاک و خون کشیده و دوستی او نهالی است که به‌جز دشمنی ثمری ندارد و طول املش سجابی است که غیر باران فتنه نمی‌بارد؛ و چاشنی شهد و شکرش باعث تلخ‌کامی عقبات، لذت طعمش علت قساوت و تیرگی دل‌هاست.» (شیرازی، ق ۱۱: ۳۴)

تمثیل «دنیا مکاره است» به بررسی و توصیف ویژگی‌های فریبنده و ناپایدار دنیا می‌پردازد. دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی ویژگی‌های دنیا و تجربیات انسانی در آن پرداخته می‌شود. در این تمثیل، دنیا به‌عنوان چیزی که مکاره یا فریبنده و ناپایدار است، توصیف می‌شود. این توصیف به معنای آن است که دنیا می‌تواند به‌طور غیرمستقیم انسان‌ها را فریب دهد و به نظر جذاب و دلپذیر بیاید؛ اما در واقعیت به‌طور عمده فریبنده و ناپایدار است.

مکاره به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. مکاره به معنای فریبنده و ناپایدار بودن است و به‌طور نمادین به ویژگی‌هایی اشاره دارد که می‌تواند به‌طور غیرمستقیم افراد را فریب دهد و آنها را به سمت مشکلات و نارضایتی هدایت کند.

مکاره ویژگی‌هایی چون فریبندگی، ناپایداری و عدم اعتبار را دارد. این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که دنیا می‌تواند به‌طور فریبنده و ناپایدار به نظر برسد، همانند ویژگی‌هایی که در وصف مکاره وجود دارد.

دنیا به‌عنوان چیزی که مکاره است، توصیف می‌شود. این توصیف به معنای آن است که دنیا می‌تواند جذاب به نظر برسد و انسان‌ها را به سمت خود جذب کند، اما در واقع فریبنده و ناپایدار است. به عبارتی، دنیا ممکن است در نگاه اول به نظر خوب و دلپذیر بیاید، اما در واقعیت نمی‌تواند رضایت و ثبات واقعی را فراهم کند.

این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که دنیا ممکن است ظاهری جذاب داشته باشد، اما در نهایت، ناپایدار و فریبنده است و نباید به آن به‌عنوان یک منبع پایدار رضایت و آرامش نگریسته شود. مکاره به‌عنوان نمادی از فریبندگی و ناپایداری عمل می‌کند. این ویژگی‌ها به‌طور معمول به مواردی که به‌طور غیرمستقیم فریبنده هستند، نسبت داده می‌شود. ویژگی‌های مکاره به‌طور مستقیم با دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که مکاره فریبنده و ناپایدار است، دنیا نیز می‌تواند به‌طور مشابه فریبنده و ناپایدار باشد.

تمثیل «دنیا مکاره است» با استفاده از مکاره به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌های فریبنده و ناپایدار دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که دنیا می‌تواند به‌طور فریبنده و جذاب به نظر برسد؛ اما در واقعیت ناپایدار و فریبنده است؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که نباید به دنیا و لذات آن وابسته شد، زیرا آنچه به‌طور ظاهری جذاب به نظر می‌رسد، ممکن است در نهایت فریبنده و ناپایدار باشد.

دنیا نهال است.

«پس مرتکب دنیا مشوید که این مکاره است؛ که بسی پرده ناموس‌ها را دریده و فریبنده‌ای است که بسیار جگرها را در خاک و خون کشیده و دوستی او نهالی است که به‌جز دشمنی ثمری ندارد و طول املش سجابی است که غیر باران فتنه نمی‌بارد؛ و چاشنی شهد و شکرش باعث تلخ‌کامی عقبات، لذت طعامش علت قساوت و تیرگی دل‌هاست.» (همان: ۳۴)

تمثیل «دنیا نهال است» به‌طور خاص به توصیف ویژگی‌های دنیا از طریق مقایسه با نهال پرداخته و به ویژگی‌های ناپایداری و فریبندگی دنیا اشاره می‌کند. دنیا به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی ویژگی‌های دنیا و وضعیت آن از منظر انسانی پرداخته می‌شود.

در این تمثیل، دنیا به‌عنوان نهال توصیف می‌شود که به معنای آن است که دنیا همچون نهالی است که هنوز به مرحله کامل و رشد یافته نرسیده است. این توصیف به معنای آن است که دنیا، به‌عنوان چیزی که هنوز در حال رشد و تکامل است، دارای ویژگی‌های ناپایداری و عدم قطعیت است. به عبارتی، دنیا به‌عنوان چیزی که هنوز به بلوغ نرسیده و ناپایدار است، دیده می‌شود.

نهال به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. نهال به معنای درختی است که هنوز جوان و در حال رشد است و به‌طور نمادین به وضعیت ناپایدار و موقتی اشاره دارد. نهال ویژگی‌هایی چون ناپایداری، عدم بلوغ و رشد تدریجی را دارد. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به دنیا نسبت داده می‌شود تا نشان دهد که دنیا نیز به‌طور مشابه به نهال است؛ یعنی ناپایدار و هنوز در حال رشد و تکامل. دنیا

به‌عنوان چیزی که مشابه به نهال است، توصیف می‌شود. این توصیف به معنای آن است که دنیا هنوز در حال رشد و تغییر است و به مرحله کامل و پایدار نرسیده است. به عبارتی، دنیا در حالت ناپایداری و عدم بلوغ قرار دارد و ممکن است به‌طور مداوم تغییر کند.

این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که دنیا به‌عنوان چیزی ناپایدار و در حال رشد، نیازمند توجه و احتیاط است. این ویژگی‌ها به معنای آن است که نباید به دنیا به‌عنوان چیزی پایدار و دائمی نگاه کرد. نهال به‌عنوان نمونه‌ای از وضعیت ناپایدار و در حال رشد عمل می‌کند. نهال هنوز به مرحله کامل و بالغ نرسیده است و به‌طور نمادین به وضعیت دنیا اشاره دارد که ناپایدار و در حال تغییر است. ویژگی‌های نهال به‌طور مستقیم با دنیا مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که نهال ناپایدار و در حال رشد است، دنیا نیز می‌تواند ناپایدار و در حال تغییر باشد.

تمثیل «دنیا نهال است» با استفاده از نهال به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری ویژگی‌های ناپایداری و تغییرپذیری دنیا را توصیف می‌کند. این تمثیل نشان می‌دهد که دنیا همچون نهالی است که هنوز در حال رشد و تغییر است و به مرحله بلوغ نرسیده است؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که دنیا به‌عنوان چیزی ناپایدار و در حال تغییر است و نباید به آن به‌عنوان چیزی پایدار و دائمی نگاه کرد.

دست‌خالی رفتن از دنیا

«حضرت عیسی (ع) در مقام وعظ و پند به امت خود می‌گفت که: ای معاشر حواریین راضی و شاکر باشید. به قلیلی از دنیا با سلامت دین، همچنان که راضی می‌شوند؛ اهل دنیا به قلیلی از دین با سلامت دنیای خود پس در پی دنیا مشتابید؛ و دین خود تلف نمایید؛ و در جمع مال و اسباب مپردازید؛ که تماماً را به غیر سپرده با دست تهی از این دنیای فانی زاد و راحله رخت سفر خواهید بست؛ که چنانچه مشهور است که اسکندر ذوالقرنین در وقت فوت وصیت نمود که از خوابگاه تابوت دست‌های مرا تا مرفق بیرون گذارید. تا بر عالمیان ظاهر و هویدا گردد که با این همه ملک و مال و اسباب آخرالامر با دست تهی از دار دنیا به عالم بقا شتافته با وجود این مقدار خزاین و دفاین جز کفنی با خود نبرد.» (شیرازی، ق ۱۱: ۳۵)

تمثیل «دست‌خالی رفتن از دنیا مانند دست‌خالی رفتن اسکندر ذوالقرنین» به بررسی ویژگی‌های نهایی و نتیجه‌گیری از زندگی پرداخته و به‌ویژه به یادآوری این نکته می‌پردازد که در نهایت، حتی بزرگ‌ترین قدرت‌ها و ثروت‌ها نیز نمی‌توانند فرد را از دست‌خالی بودن نجات دهند.

زندگی به‌عنوان حوزه مقصد در این تمثیل قرار دارد. این حوزه به بررسی وضعیّت نهایی و نتیجه زندگی پرداخته و به توصیف وضعیّت افراد در پایان زندگی می‌پردازد. در این تمثیل، زندگی به‌عنوان چیزی توصیف می‌شود که در پایان آن، فرد ممکن است دست خالی از دنیا برود، مشابه به اسکندر ذوالقرنین. این به معنای آن است که در نهایت، همه دستاوردها و ثروت‌ها به همراه خود نمی‌آیند و انسان باید با دست خالی از دنیا برود.

اسکندر ذوالقرنین به‌عنوان حوزه مبدأ در این تمثیل عمل می‌کند. اسکندر ذوالقرنین یکی از شخصیت‌های تاریخی است که به‌طور نمادین به دستاوردهای بزرگ و ثروت فراوان اشاره دارد. اسکندر ذوالقرنین، با وجود دستاوردهای بزرگ و ثروت فراوان، در نهایت دست خالی از دنیا رفته است. این ویژگی‌ها به‌طور نمادین به وضعیّت نهایی هر فرد اشاره دارد، نشان می‌دهد که حتی بزرگ‌ترین قدرت‌ها و ثروت‌ها نمی‌توانند همراه فرد در پایان زندگی باقی بمانند.

زندگی به‌عنوان چیزی که در پایان آن، فرد باید با دست خالی از دنیا برود، توصیف می‌شود. این توصیف به معنای آن است که در نهایت، همه ثروت‌ها و دستاوردها نمی‌توانند به فرد در آخرت کمک کنند و او باید بدون هیچ‌چیزی از دنیا برود. این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که در نهایت، تمام ثروت‌ها و دستاوردهای دنیوی ناپایدار هستند و در آخرت هیچ‌چیز از آنها به همراه نمی‌رود؛ بنابراین، باید به امور معنوی و اخلاقی توجه کرد که در پایان زندگی واقعاً ارزشمند هستند.

اسکندر ذوالقرنین به‌عنوان نمادی از قدرت و ثروت عظیم شناخته می‌شود. با وجود دستاوردهای بزرگ، او در نهایت به‌طور نمادین دست خالی از دنیا رفته است. ویژگی‌های اسکندر ذوالقرنین به‌طور مستقیم با وضعیّت زندگی مقایسه می‌شود تا نشان دهد که همان‌طور که اسکندر با وجود قدرت و ثروت فراوان به‌طور دست خالی از دنیا رفت، زندگی هر فرد نیز به‌طور مشابه به پایان می‌رسد و در نهایت با دست خالی از دنیا می‌رود.

تمثیل «دست خالی رفتن از دنیا مانند دست خالی رفتن اسکندر ذوالقرنین» با استفاده از اسکندر ذوالقرنین به‌عنوان حوزه مبدأ، به‌طور مؤثری وضعیّت نهایی زندگی و نتیجه آن را توصیف می‌کند. این تمثیل به‌وضوح نشان می‌دهد که حتی بزرگ‌ترین دستاوردها و ثروت‌ها نمی‌توانند به فرد در پایان زندگی کمک کنند و او باید با دست خالی از دنیا برود؛ به عبارت دیگر، این تمثیل به مخاطب یادآوری می‌کند که نباید به لذات دنیوی وابسته شد و باید بر روی امور معنوی و اخلاقی تمرکز کرد که در نهایت واقعاً ارزشمند هستند.

نتیجه‌گیری

نسخه خطی مجلس آرای محمد محسن شیرازی به‌طور عمد به استفاده از تشبیه‌ها و تمثیل‌های مربوط به دنیا پرداخته و دنیا را به‌عنوان یک موجود فریبنده و ناپایدار به تصویر کشیده است. تمثیل‌هایی مانند «دنیا همانند آب شور است» و «دنیا مکاره است» به زیبایی فریبندگی و ناپایداری دنیا را نشان می‌دهند. این تشبیه‌ها به مخاطب یادآوری می‌کند که لذات و مادیات دنیوی نمی‌توانند رضایت و آرامش واقعی را به ارمغان بیاورند و در نهایت ناپایدار هستند.

این تشبیه‌ها و تمثیل‌ها به مخاطب هشدار می‌دهند که نباید به فریب‌های دنیوی و مادیات آن توجه کرد. دنیا به‌عنوان یک فریبنده و ناپایدار معرفی شده که ممکن است انسان‌ها را به دام بیندازد و از اهداف معنوی و اخلاقی منحرف کند. این موضوع به اهمیت توجه به ارزش‌های معنوی و اخلاقی در مقابل جذابیت‌های دنیوی تأکید دارد.

نتیجه‌گیری از تحلیل تشبیه‌ها و تمثیل‌های مربوط به دنیا نشان می‌دهد که باید به دنبال ارزش‌های معنوی و پایدار باشیم و از فریب لذات دنیوی دوری کنیم. نویسنده در این نسخه خطی به خوانندگان یادآوری می‌کند که زندگی دنیوی، با تمام جذابیت‌هایش، تنها یک مرحله از سفر زندگی است و نباید تمام توجه و انرژی خود را صرف امور مادی کنیم. بلکه باید به دنبال رشد معنوی و اخلاقی باشیم. تشبیه‌ها و تمثیل‌های به کار رفته در این کتاب می‌توانند تأثیرات عمیقی بر فرهنگ و اخلاقیات جامعه داشته باشند. این تشبیه‌ها می‌توانند به تقویت نگرش‌های معنوی و اخلاقی کمک کرده و به افراد کمک کنند تا با بصیرت و آگاهی بیشتری به زندگی و مسائل دنیوی نگاه کنیم.

نسخه خطی مجلس آرای محمد محسن شیرازی با استفاده از تشبیه‌ها و تمثیل‌های متنوع، دنیا را به‌عنوان موجودی فریبنده و ناپایدار به تصویر می‌کشد و به مخاطبان یادآوری می‌کند که نباید فریب لذات دنیوی را بخورند. این تشبیه‌ها و تمثیل‌ها به اهمیت توجه به ارزش‌های معنوی و اخلاقی در مقابل جذابیت‌های مادی تأکید دارند و به ما می‌آموزند که باید به دنبال رشد و پیشرفت معنوی باشیم و از فریب‌های دنیوی دوری کنیم.

فهرست منابع و مأخذ

قران کریم

- پارسا نسب، محمد (۱۳۸۹)، داستان‌های تمثیلی - رمزی فارسی. تهران. نشر چشمه.
- پروین، محمد جعفر و حسینی کازرونی، سید احمد و خالق زاده، محمدهادی (۱۴۰۱)، تاملی بر تمثیل در منظومه غنایی چنیسرنامه. فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی ۱۴ (۵۲): ۴۰-۱۶
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران. انتشارات علمی فرهنگی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۱۴). تاریخ فارسنامه ناصری، تهران: سنائی
- حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۹۴) تمثیل و ادبیات تمثیلی فصلنامه تعلیمی و غنایی، شماره ۲۳: ۲۴-۱۳
- حکمت، علی اصغر (۱۳۸۹)، امثال قرآن، آبادان: نشر پرسش
- خطیبی، احمد (۱۳۹۶)، درآمدی بر تمثیل در ادبیات فارسی، تهران: نشر زوار
- خلیفه، مهدی و ابراهیمی، قربانعلی و چترایی عزیز آبادی، مهرداد (۱۴۰۱) کاربرد ارسال المثل تمثیل در حکایات هزار و یک شب. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی ۵۱ (۱۴): ۲۷-۸
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرست دست نوشته های ایران (دنا) ۱۲ جلد، تهران، مرکز اسناد مجلس
- (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.

سلامی، نصراله و خالق زاده، محمد هادی و معصومی، محمد رضا (۱۴۰۱)، «بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی مجلس‌آرای محمد محسن شیرازی»، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱۵ (۷۵): ۱۵۴-

۱۳۹

شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۵) صور خیال در شعر فارسی، چ دهم، تهران: انتشارات آگاه.

صدوقی فر، مقصود (۱۳۸۸)، دنیا از دیدگاه قرآن، تهران: کعبه دل.

فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن.

کزاز، میرجلال الدین (۱۳۷۳)، بدیع و زیباشناسی سخن پارسی، تهران: نشرمرکز

مجلس‌آرا، شیرازی، محمد محسن. (۱۲۶۰ ق). نسخه خطی شماره ۱۷۳۸۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، سیری در نهج البلاغه، قم: انتشارات صدرا قم.

میر صادقی، جمال، (۱۳۷۶)، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. تهران. کتاب مهناز.

وفایی عباسعلی؛ آقا بابایی، سمیه (۱۳۹۲)، بررسی کارکرد تمثیل در آثار ادبی تعلیمی پژوهشنامه ادبیات

تعلیمی (۱۸): ۲۳-۴۶